



## تحلیل تطبیقی عوامل فرهنگی اقوام کرمانج و ترکمن در شکل‌گیری معماری سکونت‌گاه‌های شهرستان بجنورد از استان خراسان شمالی

مجتبی امامی<sup>۱</sup>، فرامرز حسن پور<sup>۲</sup> ID<sup>\*</sup>، حسین مهرپویا<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول) استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل

<sup>۳</sup> استادیار گروه باستانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

### چکیده

اقوام کرمان و ترکمن دو قومیت بزرگ در جغرافیای ایران هستند. با توجه به گستره پراکندگی این اقوام در مناطق جغرافیایی دارای فرهنگ و عناصر فرهنگی خاص خود هستند. مسکن این اقوام نیز دارای مختصاتی و ویژگی‌هایی است. از آنجا که ساختن یک مسکن و کالبد و نظم فضایی آن شدیداً متأثر از محیط و فرهنگی است که به آن تعلق دارد، خوانش و تحلیل ساختار و کالبد معماری منازل بر اساس نیازها و فرهنگ مردمان بومی تشکیل‌دهنده آن جامعه می‌تواند طراحان و برنامه‌ریزان را در رسیدن به الگوی ساختار مسکن در آن مرز و اقلیم یاری رساند این تحقیق از نظر نوع هدف کاربردی نظری و از جهت روش تحقیق، ترکیبی (توصیفی، تحلیلی) می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در خانه‌های قدیمی اقوام کرمانج، نقش محرمیت و ویژگی‌های جنسیتی در تفکیک‌پذیری فضاها و مرزبندی‌ها نمود بیشتری نسبت به خانه‌های اقوام ترکمن دارد. ویژگی‌هایی همچون محرمیت، نقش‌های جنسیتی، ساختار روابط در خانواده و روابط اجتماعی و شیوه معیشت از جمله ویژگی‌های فرهنگی هستند که در شکل‌گیری کالبد سکونت‌گاه‌ها در اقوام کرمانج و ترکمن نقش بسزایی داشته‌اند.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی تطبیقی عوامل فرهنگی اقوام کرمانج و ترکمن در شکل‌گیری معماری سکونت‌گاه‌های شهرستان بجنورد از استان خراسان شمالی.
۲. شناخت اولویت در عناصر کالبدی و فضایی در معماری اقوام کرمانج و ترکمن.

### سوالات پژوهش:

۱. کدام عوامل فرهنگی در اقوام کرمانج و ترکمن در شکل‌گیری معماری سکونت‌گاه‌های شهرستان بجنورد از استان خراسان شمالی تأثیرگذار می‌باشند؟
۲. کدام عوامل فرهنگی در اقوام کرمانج و ترکمن بیشترین تأثیر را به ترتیب اولویت در عناصر کالبدی و فضایی منازل در این دو قوم و در این خطه دارد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۲

دوره ۱۸

صفحه ۱۸ الی ۳۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۱/۰۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

### کلمات کلیدی

اقوام کرمانج و ترکمن، معماری سکونت‌گاه‌ها، شهرستان بجنورد، خراسان شمالی، فرهنگ و سنت.

### ارجاع به این مقاله

امامی، مجتبی، حسن پور، فرامرز، مهرپویا، حسین. (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی عوامل فرهنگی اقوام کرمانج و ترکمن در شکل‌گیری معماری سکونت‌گاه‌های شهرستان بجنورد از استان خراسان شمالی. هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۱۸-۳۷.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.42.2.3](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.42.2.3)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.229022.1228](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.229022.1228)



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مسکن یکی از پیچیده‌ترین بناها در طراحی است. خصوصیات فرهنگی هر عصری را می‌توان در معماری آن شناخت، زیرا وقتی معماری تحت تأثیر شرایط متفاوت یک دوره بوجود آید مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... به محض به وجود آمدن می‌تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به خود بگیرد. برای بررسی هر نوع معماری، شناخت محیط و عوامل مولد آن اهمیت زیادی دارد. لذا تحقیق در معماری معاصر و یا گذشته، بدون تعمق در معماری مردمی و درک خصوصیات اجتماعی- فرهنگی موجد آن، ناقص است و در این میان، معماری مسکونی<sup>۱</sup> نسبت به دیگر انواع معماری مردمی<sup>۲</sup>، ارتباط میان کالبد بنا<sup>۳</sup> و شیوه‌های زندگی و خصوصیات اجتماعی- فرهنگی را با وضوح بیشتری نمودار می‌سازد. از این رو می‌توان اذعان داشت رفتارهای روزانه که مبتنی بر کنش‌های متقابل انسان و محیط بوده، به‌همراه هنجارهای اجتماعی- فرهنگی؛ عامل مهم شکل‌پذیری معماری مسکونی است. امروزه کرمانج‌ها، کردها، فارس‌ها، ترک‌ها و ترکمن‌ها بزرگترین قومیت‌ها استان خراسان شمالی محسوب می‌شوند. لیکن مسکن موجود در این منطقه در خور حضور اقوام مختلف و فرهنگ‌های غنی آن نمی‌باشد. لذا با توجه به چنین پیشینه‌ای مقایسه، مطالعه و تحلیل دقیق ویژگی‌های فرهنگی اقوام مختلف و شکل‌گیری سکونت‌گاه‌ها در شهر بجنورد می‌تواند پژوهشگر را در رسیدن به اصول طراحی مسکن مطلوب یاری رساند. با توجه به مطالب ارائه شده، این پژوهش در پی بررسی این موضوع است که به مقایسه تطبیقی عوامل فرهنگی اقوام کرمانج و ترکمن در شکل‌گیری معماری سکونت‌گاه‌های شهرستان بجنورد از استان خراسان شمالی بپردازد.

در خصوص پیشینه پژوهش باید تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است اما مقالاتی به بررسی ارتباط فرهنگ و معماری پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «هویت و معماری بومی ترکمن» تألیف محمدی (۱۳۹۳) به بررسی و واکاوی شکل‌گیری و جانمایی الگوهای مسکونی و شیوه ساخت آن متأثر از فرهنگ بومی ترکمن پرداخته است. با این حال به بررسی تطبیقی پرداخته است لذا این پژوهش درصدد واکاوی این مسئله است. پژوهش حاضر از نظر نوع هدف کاربردی نظری و از نظر روش میان رشته‌ای یا همان ترکیبی (توصیفی-تحلیلی) است. در این پژوهش پس از مرور مطالعاتی سیستماتیک و زیر بنایی انجام شده بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی برای درک ویژگی‌ها و عوامل فرهنگی اقوام، کالبد و فهم داده‌های کالبدی به استخراج مطالب پرداخته شده است و سپس در بخش مطالعات میدانی از مشاهده، مصاحبه نیمه ساختاریافته و در نهایت برای جمع‌بندی و تحلیل داده‌ها از استدلال منطقی استفاده شده

Residential Architecture<sup>۱</sup>  
Folk architecture<sup>۲</sup>  
Bana's body<sup>۳</sup>  
Social-cultural norms<sup>۴</sup>



است. نتایج حاصل از این تحقیق در طراحی و بهبود فضاهای مسکونی در شهرستان بجنورد از استان خراسان شمالی تأثیرگذار خواهد بود و رضایتمندی بیشتر ساکنین از فضای زندگی را فراهم می‌آورد.

### ۱.۱. ارتباط فرهنگ قومی و معماری

خانه یکی از مهم‌ترین فضاهایی است که نقش‌های مختلف مادی، کالبدی و از همه مهم‌تر نقش فرهنگ در ساختار معماری آن به روش‌های مختلف نمود پیدا می‌کند، من جمله به شکل عناصر، تزئینات، شکل‌ها، ترکیب‌های حجمی یا ترکیبات خاص در پلان‌ها. اگر حضور معماری در زندگی و مسائل یک دوره کمرنگ شود، این فقر حضور، به زبان و فرهنگ نیز منتقل می‌گردد و برعکس این مسئله نیز صادق است به گونه‌ای که اگر زبان و فرهنگ ملتی نقصان یابد یا حتی مورد هجوم زبان و فرهنگ بیگانه‌ای قرار بگیرد، معماری آن ملت نیز دگرگون می‌شود. بنابراین می‌توان گفت فرهنگ و معماری دو مقوله تفکیک‌ناپذیر می‌باشند که تأثیرگذاری آنان بر یکدیگر گره خورده است (مومنی و مسعودی، ۱۳۹۵: ۶۷). خاکپور و عشقی صنعتی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبد روستاهای گیلان پرداخته و یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی مردم روستا متأثر از شرایط طبیعی و خصوصیات اقتصادی و کنش‌های معیشتی استوار است که خود یکی از عوامل هماهنگی کنش‌های اجتماعی و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می‌گردد و این عوامل در کنار یکدیگر به وجود آورنده همگونی بافت کالبدی است که در پاسخ به نیازهای اجتماعی، معیشتی، اقلیمی و فرهنگی مشابه شکل می‌پذیرد. اطلاعات دقیق از اقوام گوناگون، تفاوت‌ها و الگوهای رفتاری فردی و گروهی آن‌ها، طراحان را از تصور ذهنی غیرواقعی به امور تأثیرگذارتر در فرایند طراحی محلات راهنمایی می‌کند که این ارتقاء فکری در کنار مواردی همچون شناسایی الگوهای پایه، معرفی هسته‌های اصلی خانه در هر شهر و اقلیم و شناسایی روش‌های گوناگون انطباق بافت‌های مسکونی با سایت پیرامون، موجب بهبود ظرفیت‌های میراث معنوی و تاریخی بستر اطراف می‌شود و به پایدارساختن معماری کمک می‌کند (معماریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱). پایبندی معماران به وجوه فرهنگی از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که «طراح به منزله پرورش دهنده، موجب تقویت پیوندهای مردمی می‌شود. زیرا تعهد به فرهنگ، روح طراحی است و محیط موفق فقط با توجه کامل به وجوه اجتماعی و فرهنگی قابل تحقق است» (گروت و وانگ، ۱۳۸۴: ۱۱۷). بنابراین، خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها و انتظام فضایی آن‌ها، نشان‌دهنده روابط اجتماعی افراد ساکن در آنهاست. «در بررسی فرم خانه، در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم‌بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی سیاسی در آن فرهنگ دارد» (گیفرد، ۱۹۹۸: ۸۵).

### ۲. تأثیر معیشت اقوام بر معماری

مسکن نهادی است که در راستای یک گروه مقاصد پیچیده به وجود آمده و صرفاً یک ساختار و کالبد نمی‌باشد. از آنجا که ساختن یک مسکن و کالبد و نظم فضایی آن شدیداً متأثر از محیط و فرهنگی است که به آن تعلق دارد، خوانش و تحلیل ساختار و کالبد معماری منازل بر اساس نیازها و فرهنگ مردمان بومی تشکیل‌دهنده آن جامعه

می‌تواند طراحان و برنامه‌ریزان را در رسیدن به الگوی ساختار مسکن در آن مرز و اقلیم یاری رساند. از آنجا که امروزه معماری نوین از معماری سنتی-بومی و قومی فاصله جسته است اما خصوصیات خانه‌های بومی-سنتی نظیر پاسخگویی به نیازهای رفتاری و معیشتی من جمله شیوه سکونت، شیوه امرار معاش، آرامش، حریمیت و روابط جنسیتی و همچنین پاسخگویی مناسب به اقلیم از جمله مباحث مورد بحث در طراحی مسکن امروزی بیش از پیش وجودش حس می‌گردد. با آنکه شیوه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل مسکن است، اما در یک منطقه و یک قوم با فعالیت اقتصادی معیشتی مشابه، پاسخ‌هایی متفاوت به نیازهای فضایی مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال با اقتصاد و شیوه امرار معاش کشاورزی در مناطق جلگه‌ای فضاها در نظر گرفته شده برای انبار کردن محصولات کشاورزی متفاوت بوده و نیز فضای استقرار دام‌ها در شیوه اقتصاد دامداری به رغم همگونی در شیوه فعالیت اقتصادی خانوارها، از تنوع و تعدد گونه‌ای برخوردار است. در هر منطقه معماری برخاسته از زادبوم و بر مبنای نیازها و هماهنگی با عوامل محیطی پدید آمده و از سویی دیگر باورهای ذهنی و کنش‌های اجتماعی-فرهنگی مسلط در هر گروه یا اقلیت (اقوام) در هماهنگی با کنش‌های اقتصادی و معیشتی، شکل یافته است. با آنکه در چگونگی شکل و ساختار و کالبد مسکن هر اقلیم شرایط آب و هوایی و جغرافیایی نقش بسزا در ساخت آن دارد، من جمله در انتخاب مصالح و فنون ساخت اما با این وجود تأثیر بارز فعالیت‌های معیشتی و شیوه‌های امرار معاش و کنش‌های اقتصادی در این حیطة بر نوع و شکل ساخت مسکن می‌توان مشاهده نمود. کرمانج‌های خراسان شمالی که اکثر آن‌ها باغ‌دار و یا دامدار می‌باشند و نوع خانه‌های خود را بر اساس شغل خود می‌سازند. باغدارها در داخل منزل محیطی را برای انبار کردن محصولات خود و دامداران محیطی را برای گرمای حیوانات در نظر می‌گرفتند تا در زمان سرما از آن‌ها محافظت کنند، حتی برخی از افراد اتاقی را برای حیوانات در نظر می‌گرفتند. همچنین آن‌ها در گذشته خانه‌های خود را با کاه و گل و مصالح «بوم آورد» می‌ساختند؛ در واقع از مصالحی که در آن منطقه وجود داشته استفاده می‌کردند. مسکن سنتی ترکمن‌ها بر روی پایه‌هایی ساخته می‌شوند. در برخی از طرح‌ها این پایه‌ها به قدری بلند انتخاب می‌شوند که در زیر بنا فضایی خالی باقی می‌ماند. از این فضا گاهی به عنوان محل نگهداری حیوانات و در برخی موارد به عنوان انبار یا کارگاه قالببافی برای زنان استفاده می‌شود ولی غالباً نگهداری حیوانات و کارگاه‌ها یا انبار علوفه جدا از بنا ساخته می‌شوند. در کنار برخی ساختمان‌ها مکانی به نام "تلار<sup>۵</sup>" وجود دارد که به عنوان محل آسایش تابستانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است و دارای پایه‌های بلندی از چوب است که در زیر آن برای نگهداری دام‌ها در نظر گرفته می‌شده است. یکی از فعالیت‌های زنان ترکمن نخ‌ریسی بوده است که جهت انجام این کار در سقف تام‌ها حلقه‌ای برای آویختن دوک نخ‌ریسی تهیه می‌شده است و ترکیبی بدیع و زیبا از همسازهای فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی با سازه مسکن را نمایش می‌دهد. از جمله‌ترین مهم فعالیت اقتصادی زنان ترکمن قالببافی می‌باشد که برای تسهیل این فعالیت اقتصادی، زنان ترکمن در تام در نظر گرفتن انبار اتاق یا انباری جهت تهیه قالی از مهم‌ترین

<sup>۵</sup> Telar

بخش‌های طرح‌ریزی و ساخت تام بوده است. در زمستان‌ها معمولاً دار قالی در یکی از اتاق‌های تام و در تابستان در کارگاه یا انباری بیرون از تام، برپا می‌شده است (رستم زاده و همکار، ۱۳۹۱: ۱۰)

اگرچه چه امروزه بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و نوع فرهنگ سنتی در میان ترکمن‌ها در حال کمرنگ شدن می‌باشند، اما برخی از عناصر فرهنگی و اجتماعی مؤثر در ساختمان‌سازی این قوم را می‌توان نمونه‌ای از هنر ساخت مسکن بومی این خطه از سرزمین ایران، به حساب آورد. سرزمین خراسان شمالی به دلیل رطوبت زیاد و بارش‌های طولانی مدت و وجود زمین‌های حاصلخیز، محیط مناسبی برای کشاورزی است. در کوهپایه‌ها که زمین ماسب شالیکاری کمتر پیدا می‌شود و به دلیل شیب زمین در این قسمت‌ها کشاورزی جای خود را به باغداری می‌دهد. همچنین شغل عمده مردم در این مناطق دامداری است. از آنجا که همه اعضا در کار گردآوری و امرار معاش به‌طور مستمر مشارکت دارند، به نوعی شیوه معیشت اقوام این خطه از نوع معیشت تعاملی برقرار است.

معیشت در اقوام ترکمن	معیشت در اقوام کرمانج
نوع معیشت	نوع معیشت
دامداری صنایع دستی: قالیبافی نخ‌ریسی	دامداری کشاورزی باغداری
شیوه معیشتی	شیوه معیشتی
شیوه تعاملی	همبستگی و معیشت تک‌جنسیتی
جنسیت عهده دار	جنسیت عهده دار
مردان و زنان	مردان

### ۳. جنسیت و نقش‌های جنسیتی اقوام مختلف و معماری

عامل جنسیت، عاملی است که با توجه به عوامل دیگری من جمله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل تطبیق می‌باشد و با تغییر جامعه به لحاظ مکانی و زمانی تغییر می‌کند. تفاوت در نقش‌های جنسیتی بنا بر عوامل گوناگونی همچون اجتماعی، اقتصادی، محیط زیست، راهبردهای سازگاری، نوع جوامع از لحاظ میزان پیچیدگی از سنتی تا مدرن تعریف می‌شود و بصورت هنجارهای بدیهی در قالب دو جنس زن و مرد در اذهان عمومی نقش می‌بندد. مطالعات مربوط به جنسیت در دهه‌های اخیر وارد مقوله فضا، به طور عام، و فضاهای معماری و شهری، به طور خاص، شده و مبحث دیگری از دانش اجتماعی فضا را گشوده است. به‌طور کلی، شناسایی تفاوت‌های میان زن و مرد می‌تواند نقش تأثیرگذاری بر رفتار هر یک از طرفین ایفا کند. این تفاوت‌ها را می‌توان در زمینه مسایل مختلف مورد بررسی قرار داد. آشنایی با تفاوت‌ها برای سازگاری، نشاط، سلامت و آرامش زندگی شخصی و اجتماعی امری ضروری است.

همچنین می‌توان ابعاد دیگر آشنایی را در محیط اجتماعی و طراحی فضاها مشاهده و یک نوع موازنه در این زمینه را با در نظر گرفتن روان هر دو جنس مد نظر قرار داد (للحج و مسعودی، ۱۳۹۷: ۱۱۰). در جامعه سنتی رابطه جنسیت و فضا مطرح است و در آن تأثیرپذیری جنسیت از فرهنگ معیشتی مورد توجه قرار می‌گیرد. از گذشته تاکنون شیوه معیشت در جوامع مختلف از لحاظ سنتی یا مدرن بودن و یا از لحاظ قدیم و جدید بود، نقش‌های جنسیتی را رقم می‌زد و این موضوع در ساختار شکل خانه‌ها به ویژه در جوامع سنتی قابل مشاهده بوده است. عواملی که می‌تواند بر نقش‌های جنسیتی اثر گذارد در سه دسته قابل بیان هستند: جنبه‌های فرهنگی، مکانی-جغرافیایی و معیشتی. مناسبات جنسیتی بخش مهمی از عوامل فرهنگی - اجتماعی در اقوام مختلف را تشکیل می‌دهد که در نحوه شکل-گیری خانه‌ها دارای نقش مهمی می‌باشد. خصوصیات مانند نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده در هر قوم، دیدگاه هر قوم درباره حضور زنان در جامعه، چگونگی ارتباط بین زن و مرد در بیرون از منزل و درون آن در شکل‌گیری مسکن در هر قوم و هر دوره تاریخی تأثیرات خاص و بسزایی داشته است. حریم و محرمیت نیز یکی از موضوعاتی است که متاثر از دیدگاه‌های جنسیتی و فرهنگی قرار دارد که در ادامه به شرح آن پرداخته می‌شود.

#### ۴. تأثیر مقوله‌های حریم و محرمیت اقوام بر معماری

یکی از مهمترین اصولی که در معماری سنتی ایران زمین بالاخص پس از اسلام مورد توجه قرار گرفته است، اصل محرمیت می‌باشد که به بهترین وجه در تمامی بناها از بناهای عظیم و بزرگ عمومی تا خانه‌های مسکونی و از فضاهای عمومی شهری تا فضاهای نیمه عمومی و خصوصی تر به کار گرفته شده است. می‌توان گفت اصل محرمیت در شهرسازی و معماری اسلامی از کلان‌ترین فضاهای شهری تا ریزترین فضاهای معماری را مورد تأثیر خویش قرار داده است (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶: ۳). حریم خصوصی به عنوان علاقه بنیادین انسان در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شود. این حریم، محدوده‌ای را شامل می‌گردد که حدود مشخص دارد و نباید بدون دلیل به آن تعرض شود. حریم ایجاد مرز می‌کند و به معنای جدایی نیست؛ بلکه در کلیه شئون زندگی فردی و روابط اجتماعی و به تبع آن در معماری تأثیرگذار است. خانه حریم فرهنگی است که ما را از سایر افراد جدا می‌کند و در عین حال زندگی و همزیستی ما با دیگران را ممکن می‌نماید. در واقع فضایی را می‌توان فضای محرم دانست که از نظر کالبدی برای استفاده کننده دارای حریم، مصونیت و امنیت بوده و کیفیات فضایی آن به گونه‌ای باشد که آرامش و آسایش فرد را تأمین نماید. پر واضح است که امنیت داشتن بصری در این فضا تنها بخشی از ویژگی‌های آن است و مفهوم آسایش و آرامش دامنه بسیار بزرگتری را شامل می‌گردد (همان: ۱۰). در اقوام ترکمن متناظر با گستردگی فضای اجتماعی بین داخل و خارج خانه و استفاده محدود از فضای درونی، حریم خانه‌ها قابلیت نفوذ بیشتری داشته، حجاب‌ها و محرمیت‌های فضای زیست به حداقل رسیده و به گونه‌ای متفاوت عرضه می‌شود. موانع محرمیت در کالبد واحد مسکونی می‌تواند با توجه به میزان محصوریت، به سه دسته تقسیم شود. حالت اول کاملاً صلب، مثلاً یک در، در حالت دوم غیر صلب است و آخری می‌تواند با به‌کارگیری جزئیاتی در کف سازی فضاهایی ایجاد و بیشتر با حالتی روانشناسانه همراه شود. امکان نفوذ به



این فضاها از اول به آخر افزایش خواهد یافت؛ این موضوع نه به معنی فقدان حریم بلکه شیوه متفاوت ایجاد حریم است. در خانه‌های ترکمن‌ها در قالب الگوهای رفتاری و موانع غیرثابت و غیرسازه‌ای اعمال می‌شود. کاهش و افزایش عناصر شکلی و کالبدی برای ایجاد حریم در دو قومیت ترکمن و کرمانج نشان می‌دهد که مفهوم حریم از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می‌کند.

### ۵. عناصر کالبدی خانه‌های اقوام کرمانج و ترکمن

در خراسان شمالی شهر بجنورد، خانه‌ها دارای حیاط مرکزی و اتاق‌های متعدد هستند. تعدد اتاق‌ها، تفکیک عملکردها را در پی داشته و قلمروهای مجزای جنسیتی را نیز ایجاد کرده است. در خانه‌های مسکونی قوم ترکمن، قلمروهای جنسیتی نه در عناصر کالبدی خانه بلکه در قالب فعالیت‌ها بروز می‌یابد. در اقوام کرمانج جدایی حریم‌های جنسیتی تا جدا شدن کامل فضای مهمان (مرد) از کل خانه انجام شده است. اما در اقوام ترکمن، اتاق مهمان ضمن قرار داشتن در بهترین قسمت منزل مسکونی، بلکه نهایت هم پیوندی را با عرصه‌های خصوصی داشته و حتی در اوقات دیگر نیز مورد استفاده فعالیت‌های روزمره اهل خانه قرار می‌گرفته است. موضوع رابطه جنسیت و تفاوت دیدگاه‌ها به این موضوع در دو قوم کرمانج و ترکمن را می‌توان در تحلیل عناصر کالبدی خانه‌ها از قبیل ورودی، مهمان‌خانه، نشیمن خانوادگی، مطبخ و ایوان مورد ارزیابی و مقایسه قرار داد. در ادامه به ارائه توضیحات کامل در زمینه تأثیر فرهنگ‌های هر قوم بر کالبد و طراحی مسکن مسکونی در دو قوم کرمانج و ترکمن پرداخته می‌شود.

#### ۱.۵. بررسی تطبیقی ورودی و حیاط در معماری قومیت‌های کرمانج و ترکمن

در خانه‌های مسکونی اقوام ترکمن، مانع یا حصار به مفهوم سد نیست؛ بلکه به عنوان یک حدود و مرز جزئی برای تعیین جایگاه خصوصی به کار می‌رود. در این اقوام می‌توان شاهد عدم وجود حصارهای بصری و رفتاری در کالبد واحدهای مسکونی‌شان بود. اما در کرمانج‌ها، هشتی‌های ورودی منزل و دیوارهای بلند نشان از جدایی بین محدوده عمومی و خصوصی و مطرح شدن بحث محرمیت می‌باشد. یکی از موضوعات قابل توجه در خانه‌های کرمانج‌ها دیواری بلند است که در مقابل جایگاه ورودی خانه قرار می‌گیرد که می‌توان این دیوار را به معنای عدم ورود مهمانان نامحرم به اندورن خانه و به حوزه خصوصی زنان و مطرح شدن بحث محرمیت عنوان کرد. در واقع این دیوار مانع ورود به محدوده خصوصی زنان و راهنمایی و هدایت‌کننده مهمانان آقا به سمت مهمان‌خانه دانست. اگرچه محصور کردن کالبد خانه‌های مسکونی تا حدودی به شرایط اقلیمی مربوط می‌گردد، اما میتوان به این نکته اشاره نمود که وجود حیاط‌های متعدد و دیوار بلند جایگاه ورودی خانه و عدم به‌کارگیری این عناصر در خانه‌های اقوام ترکمن، با الزام نقش‌ها و حریم‌های جنسیتی و فرهنگ دو قوم ارتباط معناداری دارد.

در معماری اقوام مختلف، خانه در بافت‌های شهری، به‌صورت پیوسته، فشرده و متراکم و به‌صورت معماری درون‌گرا، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی به حساب می‌آید که معمولاً اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت



می‌گردد. بر همین اساس ورودی خانه‌ها از دو بخش اندرونی و بیرونی تشکیل شده است. فضای اندرونی با توجه به مبحث جنسیت و محرمیت برای خانم‌ها و فضای بیرونی برای آقایان و مهمانان و افراد خارج خانه طراحی شده است. این نگرش در قومیت‌های مختلف دیده می‌شود که تأثیر آن بر معماری قابل ملاحظه است.

در خانه‌های اقوام کرمانج بیشتر طراحی سبک خانه‌های درونگرا دیده می‌شود. از ویژگی‌های این مدل طراحی کالبدی می‌توان به نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضاهای داخل با فضاهای بیرون خود عنوان کرد. همچنین فضاهای مختلف خانه‌های مسکونی با طراحی درون‌گرا را عنصری مانند حیاط و یا صفه‌های پوشیده سازماندهی می‌کند به گونه‌ای که روزن‌ها و بازشوها به سوی این عناصر باز گردند. عدم وجود این ارتباط بصری مستقیم با فضاهای شهری خارج از خانه را میتوان از زاویه فرهنگی مورد کنکاش قرار داد. بحث دور نگاه داشتن حریم خانواده از دید دیگران در تاریخ فرهنگی سبک معماری خانه‌های درون‌گرا دیده میشود و طراحی این مدل معماری و حفظ حریم خانواده به اشکال مختلف در یک یا چند حیاط صورت می‌گرفته است و از این رو خانه‌های شاخص چند حیاط یا حیاط‌های داخلی و اندرونی و بیرونی ساخته می‌شده است. در شکل دهی خانه‌های درونگرا در اقوام کرمانج حیاط نقش اساسی داشته است. حیاط مرکزی حیاطی است که در اطراف و چهار سوی آن فضاهایی ساخته شده باشد و اصلی‌ترین فضا برای تامین نور، تهویه هوا و ارتباط درونی برای خانه است. نقش و کارکرد حیاط در ورودی خانه‌های مسکونی علاوه بر بحث‌های فرهنگی از جمله مباحث جنسیتی و یا اصل محرمیت و ایجاد حد و حدود مرزی برای جدایی اندرون (فضای خصوصی زنان) و بیرون (فضای عمومی مردان) ویژگی‌های دیگری نیز در بردارد من جمله اینکه حیاط نشان حریم تملک برای خانواده و ارتباط دهنده چندین فضا می‌باشد و از سوی دیگر ایجاد محیطی سرسبز و عنصری برای تهویه و گردش هوا در فصول سال و حریمی امن برای تمامی اعضای خانواده می‌باشد. در ورودی برخی خانه‌های قدیمی سکوهایی یکی در طرف چپ و دیگری در سمت راست طراحی شده است تا رهگذران خسته دمی روی آن‌ها بنشینند یا مهمانان نفس بریده و مسنی که می‌خواستند به خانه بروند تا باز شدن در روی آن‌ها بنشینند و استراحت کنند. مهمانانی که می‌خواستند وارد خانه شوند. همچنین افراد هنگام ورود به داخل خانه باید هر کدام کلون مخصوص به جنسیت خود را به صدا در آوردند تا صاحبخانه بداند مهمان پشت در، خانم است یا آقا و این موضوع بحث جنسیت را در طراحی منازل مسکونی پر رنگ‌تر می‌کند. پس از گشودن در، مهمان از دالان خانه عبور می‌کرد تا به صحن ایوان یا حیاط برسد و در این مدت میزبان فرصت داشت خانه خود را مرتب و خود را مهیای پذیرایی از مهمان کند. در بالای سردر برخی خانه‌ها آیاتی از قرآن کریم یا عبارت‌های مذهبی نوشته می‌شد تا افراد خانه و مهمانان هنگام ورود و خروج از زیر آیات قرآن یا روایات و عبارت‌های دینی عبور کنند که این موضوع در هر دو قومیت وجود داشت و خاص یک قوم نبود.

همچنین در راستای معرفی چگونگی طراحی کالبد ساختمان‌های قدیمی می‌توان این نکته را بیان کرد که ساختمان‌های قدیمی دیوارهای بسیار قطوری داشتند که جنس آن‌ها اغلب از سنگ یا خشت خام با روکشی از گل یا کاهگل بود. معمولاً سقف بناهای قدیمی از نوع شیروانی بود و در مواردی هم سقف ساختمان‌ها را با کاه‌گل اندود می‌کردند

تا از نفوذ رطوبت جلوگیری کنند که در این زمینه، اقلیم و شرایط آب و هوایی بسیار اثرگذار است. همچنین وجود پنجره‌های ارسی در ورودی برخی ساختمان‌ها و شیشه‌های رنگی، نور صبح‌گاه را به رنگ‌های متفاوت به درون خانه پخش می‌کند.

### ۲.۵. بررسی تطبیقی مهمان‌خانه در معماری قومیت کرمان و ترکمن

در فرهنگ مردم کرمانج، مهمان‌خانه محل پذیرایی است که بصورت هشتی باز می‌شده است؛ در بعضی موارد، نزدیک ورودی قرار گرفته و مهمانان آقا از طریق دیوار بزرگ ابتدا ورودی به مهمان‌خانه مستقیماً هدایت می‌شدند. جلوس مردان خویشاوند و همسایه در مهمان‌خانه هر چند مدت یکبار مرسوم بوده است. برگزاری این‌گونه جلوس‌ها، ضرورت تفکیک مهمان‌خانه را از سایر بخش‌های خانه ایجاد می‌کرده است. برخلاف خانه‌های کرمانج‌ها، در خانه‌های مسکونی اقوام ترکمن، مهمان‌خانه از عرصه زندگی خانوادگی جدا نیست، و تنها عامل جداسازی اتاق مهمان و فضای نشیمن، پله‌های بین این دو عرصه است؛ مهمان‌خانه (تالار اتاق) بخشی از ایوان (تالار) است که برای احترام نهادن به مهمان مرتفع‌تر ساخته شده و از ظاهر مناسب‌تری برخوردار است. در برخی الگوها اولین اتاق بعد از ورود به ایوان را به عنوان اتاق مهمان در نظر می‌گرفتند که جداسازی یا فاصله با اتاق‌های خصوصی خانه مدنظر نبوده است. در این اتاق تفکیک جنسیتی فضا، نه با عناصر کالبدی بلکه در قالب فعالیت‌ها صورت می‌گرفته است. «اتاق دیگر که نیم طبقه از تالار اتاق پایین‌تر است، اتاق اصلی زیست افراد خانواده بوده و در اوقات مختلف سال علی‌الخصوص تابستان نقش ایفا می‌کند و مکان آسایش در این فصل می‌باشد. از مهمترین ویژگی‌های مهمان‌خانه‌ها داشتن طاقچه‌های متعدد است که معمولاً در دو ردیف و در سرتاسر دیوارهای اتاق دیده می‌شود که به آن رف می‌گویند. به علت قطور بودن دیوارها کارآیی این طاقچه بسیار زیاد است استفاده از اشیای زینتی قدیمی مثل گلدان، کاسه و کریستال نقره‌ای در این طاقچه‌ها چیده می‌شدند. استفاده از گچبری‌های متنوع و نقش‌های هنری ساختمان‌های مختلف از ویژگی‌های دیگر این تزئینات بود. در برخی از منازل سقف اتاق‌ها آکنده از نقش‌های مکرر گل و گیاه گچبری‌های زیبا و گلاشان است.

### ۳.۵. بررسی تطبیقی نشیمن و اتاق‌ها

به دلیل باور کردها به حفظ محرمیت در فرهنگ‌شان، شاهد تأثیر آن بر محصوریت بیشتر بازشوهای اتاق نشیمن خانوادگی و بخش اندرونی نسبت به اتاق‌های بیرونی و مهمان‌خانه اتاق‌ها در خانه‌های مسکونی آن‌ها می‌باشیم. این اتاق جزء خنک‌ترین فضاهای خانه محسوب شده و بنابراین مشبک بودن آن، ضمن خنک کردن فضا، مانع از دید بیرون به درون و تداخل گذر عمومی و عرصه خصوصی خانوادگی می‌شود. در برخی اتاق‌های نشیمن خانوادگی یا مهمان‌خانه‌ها دارای طاقچه یا رف بودند که دورتادور آن را با گچ‌بری‌های ساده تزئین می‌کردند و روی آن آینه و شمعدان‌های قدیمی، عکس‌های خاطره انگیز و قرآن می‌گذاشتند.

اتاق نشیمن در خانه‌های اقوام ترکمن، فضای نیمه محصور ایوان است که از نظر عملکردی یکی از شاخصه‌های زندگی خانوادگی و محل اجتماع اعضای خانواده است. در طبقات بالا اجتماعی (اعیانی)، اتاق نشیمن خانوادگی به اتاق ارسی انتقال می‌یابد که دید وسیع به بیرون داشته اما دید از بیرون به درون را صلب می‌نماید. این موضوع به دلیل وابستگی متغیر جنسیت به متغیر طبقه اجتماعی و شیوه معیشت است. به این معنا که در طبقات اجتماعی مرفه از آن جا که مردان به کار تجارت مشغول بوده و زنان در تأمین معاش دخالتی نداشته‌اند، زنان اعیان از ارتباط کمتری با عرصه عمومی برخوردار بوده و حضور آنان در عرصه عمومی توجیهی نداشته است برخلاف دیگر طبقات اجتماعی که زنان در امرار معاش فعالیت داشته و اتاق‌ها، نشیمن‌ها و ایوان صحنه فعالیت‌های اقتصادی معیشتی زنان نیز بوده است. یکی از عمده فعالیت‌های زنان ترکمن نخ‌ریسی که جهت انجام این کار در سقف اتاق حلقه‌ای برای آویختن دوک نخ‌ریسی تهیه می‌شده است و ترکیبی بدیع و زیبا از همسازهای فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی با سازه مسکن را نمایش می‌دهد. از دیگر فعالیت‌های اقتصادی زنان ترکمن قالیبافی می‌باشد که برای تسهیل این فعالیت اقتصادی، زنان ترکمن در تام با در نظر گرفتن انبار اتاق یا انباری جهت تهیه قالی از مهم‌ترین بخش‌های طرح‌ریزی و ساخت تام بوده است. در زمستان‌ها معمولاً دار قالی در یکی از اتاق‌های تام و در تابستان در کارگاه یا انباری بیرون از تام، برپا می‌شده است (رستم زاده و همکار، ۱۳۹۱: ۱) قالی، قالیچه از برجسته‌ترین شاهکارها و فعالیت‌های اقتصادی زنان ترکمن می‌باشد که خالقان اصلی این اقسام محسوب می‌شوند. قالیچه‌های ترکمن معمولاً روی دارهای افقی یا دستگاه‌های افقی بافته می‌شود که در اتاق‌های خانه طراحی می‌شود و بیش از ۹۰ درصد خانواده‌های شهری و روستایی ترکمن یک دار قالی دارند و بیش از ۶۰ درصد درآمدشان از این شیوه تأمین می‌شود. در نظر گرفتن فضایی برای دار قالی و برپا کردن آن نقش مهمی در طراحی واحدهای مسکونی این اقوام ایفا می‌کند.

#### ۴.۵ مقایسه مطبخ

مطبخ در خانه‌های مسکونی کرمانج‌ها اغلب به صورت مربع یا مستطیل با طاقچه‌های زیاد، در کنج حیاط نزدیک به ایوان عمیق، ساخته می‌شده است و ارتباط با حیاط نیز بلاواسطه نبوده بلکه فضای میانجی بین این دو عرصه نیز وجود داشته است و مکان آن در نزدیکی آب انبار و چاه آب تعبیه می‌گردید. در درون مطبخ محل‌هایی برای پخت و پز، ذخیره چوب و تنور جهت پخت نان و روی دیوار طاقچه‌ای برای قرار دادن وسایل آشپزی تعبیه می‌شده است. در خانه‌های دو حیاطه «آشپزخانه بین بخش اندرونی و بیرونی قرار دارد تا امکان دسترسی به آن از هر دو بخش میسر باشد». در خانه‌های اقوام ترکمن، محدوده خاصی تحت عنوان اتاق مشخصی برای آشپزخانه نمی‌توان بیان نمود بخشی از فعالیت‌های مربوط به پخت و پز درون ایوان و یا در فضای بسته و در انتهای خانه انجام می‌گیرد و در مواردی انباری و آشپزخانه در طبقه اول ساخته می‌شده است و پخت و پز با توجه به فصل‌های مختلف در فضاهای مختلف واحد مسکونی انجام می‌شده است. بنابراین نوعی ادغام فضاها وجود دارد و به نوعی فضایی تفکیک شده و حائل بندی شده برای پخت و پز تحت عنوان مطبخ وجود ندارد بلکه در ارتباط با سایر عرصه‌های خانه قرار دارد. در کالبد خانه‌های

ترکمن بحث محرمیت و تفکیک فضاها به دلیل جنسیت و نقش‌های جنسیتی من جمله پخت و پز کمتر نمود دارد و در مقایسه مطبخ در دو قوم کرمانج و ترکمن به نوعی الگوهای متفاوت جنسیت- فضا و محرمیت- فضا به دست می‌آید که می‌توان نمود آن را در کالبد فضاهاى کرمانج‌ها بیشتر حس کرده و در اقوام ترکمن کمتر وجود دارد.

### ۱.۵.۵ ایوان

در گذشته فضاهاى نیمه باز مانند ایوان از عناصر مهم خانه‌های ایران بوده‌اند. این فضاها هم در سازماندهی کلی بنا در کنار دو فضای باز و بسته نقش ایفا می‌کرده‌اند و هم خود به عنوان فضایی مستقل که عملکردهای متنوعی را پذیرا می‌شده، مطرح بوده‌اند (مداحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵). فضای خانه‌های ترکمن ارتباط دیداری و حسی فضای اتاق اصلی خانه با حیاط است. در این خانه‌ها در فضای بسته، ارتباط با طبیعت و داشتن چشم‌انداز مناسب با استفاده از پنجره‌ها میسر بوده همچنین تدابیری چون کاربرد فضای نیمه باز (ایوان) در خانه جهت ایجاد ارتباط بیشتر با طبیعت و بهره‌گیری از آب و هوای معتدل و فرح بخش منطقه در بیشتر فصل‌ها در بسیاری از خانه‌ها به کار گرفته می‌شده است. در حقیقت ایوان خانه‌های ترکمن محل انجام فعالیت‌های گوناگونی مانند صرف غذا، پخت و پز، خوابیدن، دور هم جمع شدن، بازی بچه‌ها، پذیرایی از میهمانان و انجام مراسم‌ها و اعیاد و ... بوده است (همان: ۷-۹). ایوان فضایی است که در آن جا اعضای خانواده بر سر یک سفره می‌نشینند و استراحت می‌کنند و زنان هم مشغول کار می‌شوند. اقوام ترکمن‌نشین خراسان در شمال بجنورد و در مجاورت دشت گرگان ساکن می‌باشند که از جمله مناطق پر باران در خراسان است و در نتیجه این شرایط آب و هوایی و اقلیمی ضرورت محافظت خانه در مقابل رگبارهای موسمی و جایگاه پر اهمیت ایوان در کالبد بنایی واحدهای مسکونی به عنوان یک فضای ایزوله و مقاوم و محافظ در مقابل این جو آب و هوایی، نمی‌تواند در چگونگی شکل‌گیری تأکید بر ایوان‌های طویل این نمونه خاص بی‌تأثیر باشد. نکته جالب این است که این فرهنگ خاص معماری در میان تمامی ترکمن‌ها در منطقه شمالی بجنورد و حتی در منطقه کال ایمانی که محل سکونت سیستانی‌هاست، نمونه‌های بسیاری از واحدهای مسکونی با استفاده از همین شیوه ساخته شده‌اند. در نمونه‌های استثنایی این سبک و در خانه‌هایی که تعداد بیشتری خانوار در آن سکنی گزیده‌اند دو یا سه سوی اتاق‌ها را ایوان می‌پوشاند. چنین حالت‌هایی ایوان وسیعی را در اختیار ساکنین خانه قرار می‌دهد و از این گذشته دیواره‌هایی اتاق‌ها را به تمامی از گزند باد و باران‌های شدید فصلی محفوظ می‌دارد (همان: ۱۱). از سویی دیگر ایوان از جمله فضاهاى مهم در کالبد خانه‌های مسکونی کرمانج‌ها نیز می‌باشد. ضرورت ساخت این فضا در واحدهای مسکونی از دیدگاه کرمانج‌ها توجه به نقش و اهمیت ویژه ساخت ایوان در خلق مکانی مناسب با گردش باد و تهویه مطبوع در اوقات گرم سال می‌باشد. ساخت ایوان عملکردهای متفاوت داشته و بسته به نحوه قرارگیری اتاق‌ها در کالبد بنا، انواع شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. ایوان‌ها معمولاً یک سمت رو به فضای باز بوده لزوماً دارای ستون نبوده و ایوان‌های بدون ستون اما با مساحت کم نیز دیده می‌شود. در بعضی خانه‌های مسکونی کرمانج‌ها ایوان در قسمت



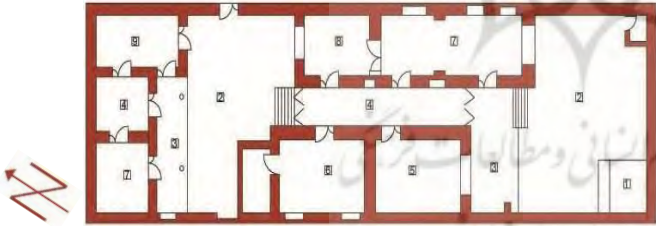
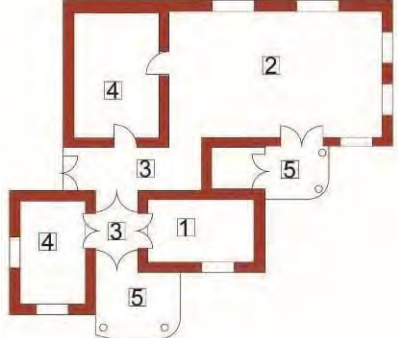
جنوبی ساختمان قرار می‌گیرد که به صورت تو رفته و سقف ستون‌دار در پلان سازماندهی می‌شود، معمولاً ایوان‌ها برای ایجاد نوعی مفصل و ارتباط بین فضای داخل و خارج صورت می‌گرفت و اکثراً در طبقه دوم ساخته می‌شوند.

#### ۶.۵. ساختار پلان

در بناهای بومی بجنورد زاویه استقرار و بناها بر اساس دقت در تأثیر مستقیم زاویه تابش خورشید و همچنین جهت باد غالب شهر در کنار یکدیگر می‌باشد. در شهر بجنورد کوچه‌های فرعی بیشتر شرقی-غربی که دسترسی به بناهای مسکونی را هموار می‌سازد. همچنین بررسی‌های مربوط به زاویه تابش خورشید، بافت این شهر را با حدود ۳۰ درجه انحراف از محور شمال-جنوب به سمت غرب تشخیص داده شده است. معمولاً ساختمان‌ها در این خیابان در سمت شمال زمین مستطیل شکل واقع شده جبهه اصلی آن رو به جنوب است که سلسله مراتب دسترسی به خانه‌ها ابتدا از طریق حیاط و سپس از طریق ایوان بوده است. غالباً در اکثر پلان فضاهای اصلی مانند پذیرائی، نشیمن، اتاق‌ها و همچنین فضاهای ارتباطی مانند ایوان و راهرو در جبهه نورگیری و جنوب زمین واقع شده‌اند و فضاهای خدماتی هم در جبهه شمالی یا در قسمتی از زمین که نورگیری فضا به گونه‌ای کمتر می‌باشد قرار گرفته تا بدین ترتیب اتلاف حرارت فضاهای اصلی از دیوارهای سرد شمالی به حداقل ممکن کاهش یابد. نحوه قرارگیری فضاهای ساخته شده پیرامون حیاط در حالت نخست در دو جبهه از حیاط به شکل دو ضلع عمود بر هم بر یکدیگر قرار گرفته‌اند و در حالت دوم دو فضای ساخته شده در دو جبهه حیاط و دو طرف حیاط قرار گرفته‌اند (معماریان، ۱۳۸۵)



شکل ۱: جانمایی پلان‌های خانه، مأخذ: گونه شناسی خانه‌های مسکونی بجنورد

	
<p>شکل ۳: خانه مسکونی در خیابان نادر بجنورد، دوره قاجار، آرشیو مهندس معصومی</p>	<p>شکل ۲: خانه مسکونی در خیابان نادر بجنورد، دوره قاجار، آرشیو مهندس معصومی</p>
	
<p>شکل ۵: خانه سبحانی قبل از سال ۱۳۲۰، آرشیو مهندس مرادپور</p>	<p>شکل ۴: خانه اردشیرخان شادلو، دوره قاجار، آرشیو دکتر انصاری مود</p>
	
<p>شکل ۷: خانه مسکونی در خیابان نادر، دوره قاجار، آرشیو مهندس مرادپور</p>	<p>شکل ۶: خانه اردشیرخان، دوره قاجار، آرشیو میراث فرهنگی خراسان شمالی</p>

- نحوه توزیع فضاها در خانه‌های بجنورد

(ترسیم مأخذ: کتاب در جستجوی هویت شهری بجنورد، گونه شناسی خانه‌های مسکونی در بجنورد، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان خراسان شمالی)

## ۶. مقایسه و تحلیل کالبد سکونتگاه‌های اقوام کرمانج و ترکمن

در مقایسه تطبیقی انجام شده بین کالبد سکونتگاه‌های دو قوم کرمانج و ترکمن در شهرستان بجنورد از خراسان شمالی یافته‌های ذیل بدست آمده است: از نظر گونه فضایی به دو نوع بسته و باز طبقه بندی می‌گردد.

- گونه فضایی بسته شامل فضاهایی همچون: هشتی (با اجزای سقف، کف، دیوار، سکوی نشستن، در، پنجره، طاقچه)؛ اتاق نشیمن (با اجزای در، پنجره، کف، سقف، طاقچه)؛ مهمان‌خانه (با اجزای در، پنجره، کف، سقف، طاقچه، تنور، انبار) و مطبخ (با اجزای در، دیوار، پنجره، کف، تنور، طاقچه) می‌باشد.
- گونه فضایی باز شامل فضاهایی همچون: ورودی (با اجزای سقف، کف، دیوار، هشتی، دالان، سکوی نشستن)؛ حیاط و ایوان (با اجزای دیوار، کف، حوض، باغچه، ستون، انبار) می‌باشد.

مقایسه تطبیقی عوامل و ویژگی‌های فرهنگی دو قوم کرمانج و ترکمن در کالبد سکونتگاه‌های مسکونی دو قوم مذکور در جدول ذیل مختصراً شرح داده شده است:

گونه فضایی	فضا	قوم ترکمن
بسته	هشتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ورودی مستقیم بدون حایل و مفصل و در ارتباط بی واسطه با عرصه خصوصی</li> <li>• عدم تفکیک فضایی بر اساس حریمیت</li> <li>• عدم تفکیک فضایی بر اساس جنسیت</li> </ul>
	اتاق نشیمن	<ul style="list-style-type: none"> <li>• کمرنگ بودن حریمیت</li> <li>• کمرنگ بودن تفاوت نقش های جنسیتی</li> <li>• عدم تفکیک فضاها و پیوند اتاق ها با یکدیگر</li> <li>• برقراری روابط اجتماعی و معیشتی با بیرون خانه</li> <li>• پیوند خانوادگی جمعی</li> </ul>
	مهمان خانه	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مهمان خانه به لحاظ حرمت نهادن به مهمان، در طبقه بالا قرار دارد و مرز آن با عرصه خصوصی، پله های نمایان می باشد. در اکثر بناها در قسمت ورودی مهمانخانه قرار دارد</li> <li>• -عدم جداسازی فضا بر اساس جنسیت</li> <li>• عدم تفکیک بر اساس حریمیت</li> <li>• پیوند مهمان خانه و ادغام آن با سایر بخش های خانه</li> <li>• تمایل به زندگی جمعی و اقتصاد مشارکتی و انجام فعالیت های روزمره در سایر فضاهای خانه،</li> <li>• برگزاری مهمانی در میهمان خانه و عدم تفکیک از سایر فضاهای خانه</li> <li>• پیوند خانوادگی قوی و جمعی</li> </ul>
باز	مطبخ	<ul style="list-style-type: none"> <li>• کمرنگ بودن بحث جنسیت و نقش های جنسیتی</li> <li>• کمرنگ بودن حریمیت و ادغام فضاها و عدم وجود محدوده خاص جهت پخت و پز،</li> <li>• انجام پخت و پز در مکان های باز مانند حیاط و ایوان</li> <li>• مطبخ فضایی تفکیک شده نیست؛ بلکه در ارتباط با سایر عرصه های خانه قرار دارد و حتی فعالیت آشپزی قابل انتقال به سایر عرصه ها است</li> </ul>
	ورودی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم وجود دالان و هشتی در ورودی</li> <li>• عدم تفکیک فضاهای درونی و بیرون</li> <li>• کمرنگ بودن نقش جنسیت و حریمیت در تفکیک فضایی</li> </ul>

	حیاط و ایوان
<ul style="list-style-type: none"> <li>• کم‌رنگ بودن محرم و محرمت</li> <li>• امرار معاش و نگهداری از دام‌ها</li> <li>• تهویه و گردش هوا، استراحت و آسایش در بعضی فصول سال</li> <li>• انجام فعالیت‌هایی مانند بافندگی، ریسندگی، پخت و پز و برقراری تعاملات اجتماعی و مهمانی‌ها</li> <li>• ایوان در فصل گرم و اتاق‌ها در فصل سرد، نشیمن خانوادگی را تشکیل می‌دهند و با سایر فضاها رابطه مستقیم دارند و دالان یا فضای واسط مابین آن‌ها وجود ندارد</li> </ul>	

گونه فضایی	فضا	قوم کرمانج
بسته	هشتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تفکیک فضایی بر اساس محرمت</li> <li>• تفکیک فضایی بر اساس جنسیت</li> <li>• تفکیک فضای اندرون خصوصی (خانم‌ها) و برون و عمومی (آقایان)</li> </ul>
	اتاق نشیمن	<ul style="list-style-type: none"> <li>• پنجره‌های مشبک چوبی، فضای خنک و محصور نشیمن خانوادگی را فراهم می‌کند. اتاق‌ها ارتباط مستقیم باهم ندارند بلکه با دالان از یکدیگر جدا می‌شوند.</li> <li>• تفکیک فضایی بر اساس محرمت</li> <li>• تفکیک فضایی بر اساس جنسیت</li> <li>• محدود بودن روابط اجتماعی</li> </ul>
	مهمان‌خانه	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مهمان‌خانه مجزا از حوزه خصوصی است که به دلیل موقعیت قرارگیری خود، شاخص شده است.</li> <li>• تواضع و پرهیز از خودنمایی از ویژگی‌های مهم درون‌گرایی و تاکید بر برتری فضاهای داخل‌خانه بر جلوه‌های بیرونی</li> <li>• برگزاری مراسمات و مجالس بصورت مجزا و جدا از سایر بخش‌های اندرونی‌خانه</li> </ul>
باز	مطبخ	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مطبخ فضایی مشخص در کنج حیاط نزدیک به ایوان عمیق و در ارتباط با واسطه با حیاط قرار دارد و به سمت فضای خارجی باز شو ندارد.</li> <li>• محصور کردن مطبخ با دیوار در راستای تفکیک فضای جنسیتی درون و برون و تاکید بر درون‌گرایی</li> </ul>
	ورودی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دالان غیرمستقیم و هشتی، ورودی را تعریف کرده که ارتباط مستقیم با مهمان‌خانه و ارتباط غیرمستقیم با عرصه خانوادگی دارد.</li> <li>• پررنگ بودن نقش جنسیت و محرمت در تفکیک فضا دیده می‌شود.</li> <li>• وجود درکوبه با صدای زیر و بم جهت نشان دادن جنسیت</li> <li>• تفکیک عرصه عمومی از خصوصی</li> </ul>
	حیاط و ایوان	<ul style="list-style-type: none"> <li>• احساس امنیت مالی</li> <li>• حس تملک‌گرایی</li> <li>• حفظ محرم و محرمت</li> <li>• امرار معاش و نگهداری از دام‌ها</li> <li>• تهویه و گردش هوا</li> <li>• استراحت و آسایش در بعضی فصول سال</li> </ul>

## ۷. تحلیل عوامل فرهنگی بر اساس اولویت‌ها بر کالبد معماری مساکن اقوام

با توجه به نتایج به دست آمده از مشاهدات و مصاحبه‌های صورت گرفته شده و تحلیل آن می‌توان گفت در مقایسه تطبیقی عوامل و ویژگی‌های فرهنگی دو قوم کرمانج و ترکمن؛ نتایج به لحاظ اولویت‌بندی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اجتماعی عبارتند از:



- محرمیت و جنسیت
- معیشت و ساختار روابط در خانواده
- روابط جمعی و پیوند خانوادگی

ویژگی نمادین	ارزشها و هنجارهای فرهنگی اجتماعی	الویت
حجاب در زنان تحت تاثیر نقش پر رنگ محرم و محرمیت	محرمیت-جنسیت	الویت اول
معیشت: کشاورزی، دامداری، دامپروری ساختار خانواده تعاونی و تعاملی	معیشت و ساختار روابط در خانواده	الویت دوم
زندگی بصورت جمعی در قالب خانواده های گسترده در کنار یکدیگر	روابط جمعی و پیوند خانوادگی	الویت سوم

اولویت‌های ارزشی و هنجارهای فرهنگی اجتماعی دو قوم کرمانج و ترکمن در الگوهای رفتاری و فعالیت‌های آنان و کالبد معماری سکونتگاه‌های این دو قوم نمود خاص خود را یافته است: با توجه به محرمیت و جنسیت؛ الگوهای رفتاری و فعالیت‌ها در اقوام ترکمن نشان‌دهنده کمرنگ بودن ارزش‌های محرمیت-فضا، فعالیت زنان در بیرون از فضای منزل و ادغام فعالیت‌های روزمره با فعالیت‌های اجتماعی و عدم محرومیت در خروج از خانه می‌باشد. بالعکس در اقوام کرمانج، فعالیت‌های زنان در حریم خصوصی و اندرونی و محفوظ از دید عمومی و فضای عموم، عدم تداخل فعالیت‌های روزمره با فعالیت اجتماعی، محدودیت در خروج از منزل، پر رنگ بودن بحث جنسیت-فضا و محرمیت-فضا در ارزش-های فرهنگی این قوم می‌باشد. به لحظ کالبدی سکونتگاه‌های مسکونی در اقوام ترکمن شاهد عدم وجود سلسله مراتب فضای عمومی و خصوصی، عدم تفکیک فضاهای داخل خانه از جمله مهمان‌خانه و مطبخ از سایر قسمت‌های خانه، عدم جدایی حریم اندرونی و بیرونی، آشپزخانه باز؛ و در اقوام کرمانج شاهد وجود سلسله مراتب فضایی عمومی و خصوصی، جدایی کامل حریم اندرونی و بیرونی در بیشتر خانه‌ها و وجود فضای حیاط جهت انجام فعالیت‌هایی نظیر شست و شوی و...، آشپزخانه بسته، پیش‌بینی یک اتاق ویژه مهمان و ورودی مجزا برای آن از فضای هشتی یا دالان برای اینکه مهمان داخل صحن خانه نشود، می‌باشیم.

اولویت دوم عوامل و ویژگی‌های فرهنگی ساختار معیشتی و روابط در خانواده می‌باشد. در اقوام ترکمن نوع معیشت تعاملی زنان و مردان، مشارکت زنان در امرار معاش، نوع خانواده گسترده و تعاملی، تأمین نیرو برای تولید، برتری حریم جمعی و مشارکتی به فردی، نوع روابط اجتماعی مشارکتی و ارتباط قوی همسایگی و محدود نشدن دید و بازدیدها

به مهمانی‌های فAMILI، و در اقوام کرمانج نوع معیشت همبستگی تک جنسیتی، عدم مشارکت زنان در امرار معاش، جدایی فعالیت‌های زنان از مردان، تفکیک فضای درون (خصوصی) و بیرون (عمومی)، تعاملات اجتماعی از نوع بسته می‌باشیم. به لحاظ بیان کالبدی در اقوام ترکمن شاهد ادغام فضای اتاق‌ها، پیوند مهمان‌خانه با دیگر فضاهای خانه، باز بودن فضای مطبخ، انجام پخت و پز در ایوان و فضاهای باز، انجام امور روزمره بصورت مشارکتی در حیاط و فضاهای برونی (عمومی)، وجود نداشتن اتاق مجزا برای افراد یا عملکرد خاص مثل اتاق نهارخوری و خواب انفرادی، همکاری در فعالیت‌های معیشتی توسط زنان همچون دامداری، ریسندگی و فرش بافی، ایوان ورودی به عنوان فضایی برای فعالیت‌های دیداری یا رفت و آمدهای ساده روزمره با همسایگان و خویشاوندان؛ و در اقوام کرمانج شاهد طراحی ورودی و دالان و هشتی جهت جداسازی حریم عمومی و خصوصی، تفکیک فضای اتاق‌ها، جداسازی مهمان‌خانه از دیگر فضاهای خانه، محصور بودن فضای مطبخ، انجام پخت و پز در مطبخ و عدم انجام آن در فضای بیرون و عمومی، وجود اتاق مجزا برای افراد یا عملکرد خاص مثل اتاق مهمانی، اتاق نشیمن و...، همکاری محدود در فعالیت‌های معیشتی توسط زنان می‌باشیم. اولویت سوم ویژگی‌ها و عوامل فرهنگی روابط جمعی و پیوند خانوادگی در دو قوم ترکمن و کرمانج می‌باشد. در اقوام ترکمن روابط جمعی و پیوندهای خانوادگی از نوع پیوندهای محکم خانوادگی، زندگی دسته جمعی در واحدهای مسکونی، همبستگی بالای افراد یک خانواده، روابط عشیرتی، تعاملات اجتماعی باز می‌باشد و در اوام کرمانج پیوندهای خانوادگی از نوع پیوندهای خانوادگی محکم، محدود بودن گستره زندگی به صورت جمعی، تعاملات اجتماعی بسته‌تر است. به لحاظ بیان کالبدی در اقوام ترکمن شاهد سکونت چندین خانوار در هر واحد مسکونی، استفاده از ایوان به عنوان یک فضای عمومی که در اختیار کلیه خانوارها قرار دارد، ارتباط نزدیک خانوارهای

الگوهای رفتاری و فعالیت‌ها	بیان کالبدی
ترکمن: کم‌رنگ بودن ارزش‌های محرمیت-فضا، فعالیت زن در بیرون فضای خانه، ادغام فعالیت‌های روزمره و اجتماعی و مهمانی‌ها، عدم محدودیت در خروج از خانه	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ ترکمن: عدم وجود سلسله مراتب فضایی عمومی و خصوصی</li> <li>➤ عدم تفکیک فضاهای داخل خانه از جمله مهمان‌خانه و مطبخ از سایر قسمت‌های خانه</li> <li>➤ عدم جدایی حریم اندرونی و بیرونی</li> <li>➤ آشپزخانه باز</li> </ul>
کرمانج: فعالیت زن در حریم خصوصی و اندرون و محفوظ از دید، عدم تداخل فعالیت‌های روزمره با فعالیت اجتماعی، محدودیت در خروج از منزل، پررنگ بودن بحث جنسیت-فضا و محرمیت-فضا در این ارزشهای این قوم	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ کرمانج: وجود سلسله مراتب فضایی عمومی و خصوصی</li> <li>➤ جدایی کامل حریم اندرونی و بیرونی در بیشتر خانه‌ها و وجود فضای محرم حیاط جهت انجام فعالیت‌هایی نظیر شست و شوی و...</li> <li>➤ آشپزخانه بسته</li> <li>➤ پیش‌بینی یک اتاق ویژه مهمان و ورودی مجزا برای آن از فضای هشتی یا دالان برای اینکه مهمان داخل صحن خانه نشود</li> </ul>
ترکمن: نوع معیشت تعاملی زنان و مردان، مشارکت زنان در امرار معاش، نوع خانواده گسترده و تعاملی، تامین نیرو برای تولید، برتری حریم جمعی و مشارکتی به فردی، نوع روابط اجتماعی مشارکتی و ارتباط قوی همسایگی و محدود نشدن دید و باز دیده‌ها به مهمانی‌های فAMILI	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ ترکمن: ادغام فضای اتاق‌های، پیوند مهمان‌خانه و دیگر فضاهای خانه</li> <li>➤ باز بودن فضای مطبخ، انجام پخت و پز در ایوان و فضاهای باز</li> <li>➤ انجام امور روزمره بصورت مشارکتی در حیاط و فضاهای برونی (عمومی)</li> <li>➤ وجود نداشتن اتاق مجزا برای افراد یا عملکرد خاص مثل اتاق نهار خوری و خواب انفرادی</li> <li>➤ همکاری در فعالیت‌های معیشتی توسط زنان همچون دامداری، ریسندگی و فرش بافی، ایوان ورودی به عنوان فضایی برای فعالیت‌های دیداری یا رفت و آمدهای ساده روزمره با همسایگان و خویشاوندان</li> </ul>
کرمانج: نوع معیشت همبستگی تک جنسیتی، عدم مشارکت زنان در امرار معاش، جدایی فعالیت‌های زنان از مردان، تفکیک فضای درون (خصوصی) و بیرون (عمومی)، تعاملات اجتماعی از نوع بسته	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ کرمانج: طراحی ورودی و دالان و هشتی جهت جداسازی حریم عمومی و خصوصی</li> <li>➤ تفکیک فضای اتاق‌ها</li> <li>➤ جداسازی مهمان‌خانه از دیگر فضاهای خانه</li> <li>➤ محصور بودن فضای مطبخ، انجام پخت و پز در مطبخ و عدم انجام آن در فضای بیرون و عمومی</li> </ul>

<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ وجود اتاق مجزا برای افراد یا عملکرد خاص مثل اتاق مهمانی، اتاق نشیمن و ... ،</li> <li>➤ همکاری محدود در فعالیت های معیشتی توسط زنان</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ ترکمن: سکونت چندین خانوار در هر واحد مسکونی،</li> <li>➤ ایوان بعنوان فضای عمومی که در اختیار کلیه خانوارها قرار دارد</li> <li>➤ ارتباط نزدیک خانوارهای مختلف در داخل واحد مسکونی و عدم تفکیک فضاها در کالبد مسکونی، عدم وجود هشتی و دالان</li> </ul>	<p><b>ترکمن:</b> پیوندهای محکم خانوادگی، زندگی دسته جمعی در واحدهای مسکونی، همبستگی بالای افراد یک خانواده، روابط عشیرتی، تعاملات اجتماعی باز</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ کرمانج: سکونت یک خانوار در هر واحد</li> <li>➤ تفکیک فضاها از یکدیگر</li> <li>➤ وجود ورودی، هشتی و دالان، مطبخ محصور شده</li> </ul>	<p><b>کرمانج:</b> پیوندهای خانوادگی محکم، محدود بودن گستره زندگی بصورت جمعی، تعاملات اجتماعی بسته تر</p>

مختلف در داخل واحد مسکونی و عدم تفکیک فضاها در کالبد مسکونی، عدم وجود هشتی و دالان و در کالبد سکونتگاه‌های اقوام کرمانج شاهد، سکونت یک خانوار در هر واحد، تفکیک فضاها از یکدیگر، وجود ورودی، هشتی و دالان، مطبخ محصور شده است.

### نتیجه‌گیری

با مرور نظام‌مند اسناد و پیشینه‌های موجود، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های فرهنگی هر قوم شامل رفتارها، عقاید و نگرش‌ها، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، روابط و مناسبات فردی و اجتماعی تأثیرات خاصی بر کالبد بناها و واحدهای مسکونی در هر قوم داشته است. بین ویژگی‌های فرهنگی دو قوم کرمانج و ترکمن (نظیر ویژگی‌های جنسیتی، تعاملات اجتماعی، ویژگی‌های معیشتی، حریم و محرمیت) و ساختار کالبدی بناها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. این ویژگی‌های فرهنگی در هر قوم بر ساخت و چگونگی اجرای بناهای مسکونی طی سال‌ها اسکان این اقوام در این منطقه به صورت سنت در میان آنان باقی مانده است و حتی می‌توان گفت طرح این نوع ساختمان‌ها به نوعی در ساختمان‌هایی که امروزه بنا می‌شوند تا حدودی تأثیرگذار است. اگرچه با گذشت زمان و سالیان طولانی تا حدودی برخی ویژگی‌های فرهنگی این اقوام از جمله شیوه‌های معیشتی و جنسیتی این اقوام در حال کمرنگ شدن است اما برخی از این ویژگی‌ها و شاخص‌های فرهنگی اقوام مذکور را می‌توان نمونه‌ای از هنر ساخت کالبد بنا این محدوده به شمار آورد. با مرور تحقیقات و مطالعات نظام‌مند اسنادی و همچنین مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان و افراد بومی دو قوم کرمانج و ترکمن در رابطه با ویژگی‌های قومی و تأثیر آن بر کالبد ساختمان‌های عمومی و خانه‌های قدیمی بجنورد، می‌توان پایه شکل‌گیری طراحی کالبد بناها را با توجه به نقش چشمگیر ویژگی‌هایی هم چون ویژگی‌های جنسیتی، حریم و محرمیت و ویژگی‌های معیشتی هر قوم بیان نمود. این شاخص‌ها توانسته تأثیرات خود را بر کالبد بناهای این منطقه بگذارند.

همچنین به این نکته می‌توان اشاره کرد که بازخوانی ویژگی‌های فرهنگی این اقوام در معماری سنتی آنان می‌تواند زمینه‌ای برای به کارگیری روش‌ها و جزئیات ساخت مسکن جدید در این منطقه به شمار آورد. محرمیت به عنوان یکی از شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش از اصول اساسی حاکم بر مناسبات و تعاملات میان افراد در هر قوم است که تأثیرات آن در ساختار کالبدی معماری سنتی در این اقوام غیر قابل کتمان است و معماری به عنوان کالبد اندیشه

همواره ابزاری برای بروز نگرش و اندیشه‌های هر قوم است. شکل‌گیری اندرونی‌ها و بیرونی‌ها، درونگرایی و مرکزگرایی همه نشأت گرفته از اصول جهان‌بینی مردم هر قوم و ملتی بوده است و حفظ محرمیت و سلسله مراتب در فضاهای خصوصی در معماری هر قوم کاملاً به چشم می‌خورد. اهمیت محرمیت و حفظ حرمت در نگرش‌های قوم کرمانج موجب شده بود که برای مردان و زنان، دو کوبه جداگانه و با شکل‌های معین بر روی لنگه‌های در نصب گردد. کوبه‌ای که صدای بم داشت مختص مردان بود و کوبه‌ای که صدای زیر داشت مختص زنان است و این موضوع در ساختار خانه‌های کرمانج‌ها نمود بیشتری نسبت به خانه‌های اقوام ترکمن دارد. این تمایز سبب می‌شد که ساکنان خانه و به ویژه کسی که برای بازکردن در می‌رفت از صدای کوبه جنس مراجعه‌کننده را تشخیص داده و برای روبرو شدن با او آمادگی نسبی پیدا کند. در خانه‌های اقوام ترکمن این مورد نمود کمتری داشته و بیشتر تأکید شاخص محرمیت بر موضوع امنیت و آزادی باز می‌گردد که رعایت این اصل در میان اقوام کرمانج شدیدتر از اقوام ترکمن می‌باشد. در اقوام ترکمن حوزه عمومی و خصوصی خانه‌ها کمتر رعایت می‌شده است و بالعکس در اقوام کرمانج این موضوع تأکید بیشتری داشته‌اند. همچنین کالبد معماری بناها در هر دو قوم، تحت تأثیر جنسیت که واجد خاستگاه‌های فرهنگی، محیطی، اجتماعی، آن قوم است شکل گرفته؛ سیمایی که با برونگرایی اقلیمی و درونگرایی فرهنگی همساز با اقلیم و فرهنگ نمایان شده است. در خانه‌های قوم ترکمن فضاهای خصوصی بناها در طول روز می‌توانند با فضای عمومی ترکیب یا تفکیک شوند اما در اقوام کرمانج این موضوع کمتر شهود دارد و تنها در شرایط خاص اتفاق می‌افتد. همچنین در بناهای مسکونی کرمانج‌ها اتاق میهمان در نزدیکی ورودی قرار دارد و میهمان بدون ورود به حریم خصوصی وارد اتاق میهمان می‌شود اما در اقوام ترکمن این عرصه‌ها هم پیوندی بیشتری با یکدیگر دارند. همچنین در زمینه شیوه‌های معیشتی تفاوت‌های بارزی بین دو قوم وجود دارد. همکاری زنان و مردان در اقوام ترکمن در تامین معیشت اصولاً از نوع همبستگی و تعاملی می‌باشد که اثرات آن در کالبد بنا به گونه‌ای است که منجر به کاهش حصارهای جنسیتی در درون و بیرون کالبد بناهای مسکونی می‌گردد و نمونه بارز آن ایوان است که عنصر ارتباطی فضاهای خصوصی و عمومی است و مهمان‌خانه نیز در ارتباط مستقیم با عرصه‌های عمومی است که در نتیجه کاهش نقش و محدودیت‌های جنسیتی و کمرنگ شدن موضوع محرمیت می‌باشد. در اقوام کرمانج کارخانگی مختص زنان است و عرصه‌های عمومی منحصر به مردان و به نوعی شیوه معیشتی تک جنسیتی یا تفکیک جنسیتی را می‌توان مشاهده کرد که نمود آن در کالبد بناهای مسکونی نیز مشهود است و منجر به جدایی فضاهای خصوصی از عمومی می‌گردد، همچون نشیمن خصوصی که ارتباط غیرمستقیم با عرصه خارجی دارد و بحث ویژگی‌ها و نقش‌های جنسیتی در آن پررنگ‌تر و محرمیت نیز کاملاً نمایان است.



**منابع:****کتاب‌ها:**

گروت، ل؛ د. وانگ. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در معماری، تهران: سروش دانش.

معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۵). سیری در مبانی نظری معماری، تهران: انتشارات سروش دانش.

**مقالات:**

انصاری مود، محمدحسین؛ معصومی، سعید. (۱۳۸۹). «در جستجوی هویت شهری بجنورد، گونه‌شناسی خانه‌های مسکونی در بجنورد»، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان خراسان شمالی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.

خاک‌پور، مژگان و همکاران. (۱۳۹۴). «ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی مسکن بومی؛ مسکن و محیط روستا». شماره ۱۴۹؛ صص ۱۴-۳.

خاکپور، مژگان؛ عشقی صنعتی، حسام. (۱۳۹۲). «بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستای گیلان»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ش ۱۴۸، صص ۲۲-۳.

رستم‌زاده، یاور؛ ایلکا، شهاب. (۱۳۹۱). «اقلیم، طبیعت و معماری مسکن: پژوهشی در نحوه ساخت و اجرای مسکن روستایی ترکمن با تاکید بر تام‌های ترکمنی گمیشان»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ش ۲، صص ۱۳۳-۱۴۶

سیفیان، محمدکاظم؛ محمودی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «محرمیت در معماری سنتی ایران»، نشریه هویت شهر، شماره ۱، صص ۱۵-۳.

للحج، رفیعه؛ موسوی، میرسعید. (۱۳۹۳). «نگرش روانشناختی به نقش جنسیت در قابلیت‌های ادراک فضای معماری»، نگرش روانشناختی به نقش جنسیت در قابلیت‌های ادراک فضای معماری، ش ۲، صص ۹۲-۸۵.

مداحی، سید مهدی و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی نقش ایوان در معماری مسکونی روستایی (نمونه موردی مسکن ترکمن‌های خراسان شمالی)»، مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ش ۱، صص ۱۰-۱.

معماریان، غلامحسین و همکاران. (۱۳۸۹). «تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۲، صص ۱۰-۳۳.